

مفهوم موزه و پیشینه ساختاری موزه

ناهید زندی- بهمن ۱۴۰۱

چکیده:

موزه‌ها به عنوان ساختاری کهن در باورهای مردمان از گذشته‌های دور همواره دارای جایگاه ویژه‌ای بوده‌اند و در واقع به عنوان مکانی که در آن اشیای آبی که از لحاظ تاریخی، هنری و فرهنگی حائز اهمیت بوده‌اند، به نمایش گذشته می‌شوند. در این مکان باورها و اندیشه‌های ناملموس انسان نیز قابل مطالعه و بررسی است چنانکه در باورهای کهن یونانیان باستان از لحاظ مفهومی موزه‌ها به عنوان جایگاه موزه‌ها، الهگان هنر و دانش می‌باشند و به عنوان نیایشگاه و معبد - موزه‌ها اطلاق می‌گردیده‌است؛ حال آنکه بعد از گذشته هزاران سال و با توجه به اهمیت جایگاه موزه‌ها در زندگی اجتماعی بشر امروزی، رویکرد و باورهای ناملموس را نیز در بر می‌گیرد چنانکه از این مکان می‌توان راهبردی به منظور پیشرفت در روابط پیچیده بین فرهنگ‌ها، ارتباطات، دانش و هویت را در رابطه با مخاطبان را انتظار داشت.

واژگان کلیدی

موزه، الهه گان خرد و دانش، الهه‌های نه‌گانه، پیشینه ساختاری موزه، مجموعه‌های سلطنتی، نخستین موزه‌ها، ساختار نوین موزه

مقدمه

باورها و اندیشه‌های انسان همواره در شکل‌گیری حرکات و اعمال و برگزاری آیین‌ها و مراسم‌های مربوط به آن دارای جایگاه ویژه‌ای بوده‌است و اهمیت این نکته زمانی نمایان می‌گردد که باورهای آیینی خود را در دست ساخته‌ها و مکان‌های پرستش ارائه می‌دهد، و در واقع پرستشگاه‌ها و معابد به عنوان نخستین مکان‌هایی هستند که انسان‌ها به دیده احترام نگریسته‌اند و در این میان می‌توان بر طبق باورهای یونانیان باستان به موزه‌ها الهگان خرد و دانش اشاره نمود که مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کردند، به عنوان موزه‌ها، نمایان می‌گردند و در واقع سنگ بنای مکان‌هایی می‌شوند که بعد از گذشته هزاران سال منجر به شکل‌گیری مکانهای فرهنگی هستند که انسان امروزی از این طریق می‌تواند به روابط پیچیده اجتماعی و فرهنگی سبک و سیاق نوین ببخشد و در روند تکاملی زندگی اجتماعی انسان امروزی بسیار تاثیر گذار باشند.

در جستاری که پیش روست نگاهی به معنی مکانی و مفهومی موزه ها شده است تا از این طریق بتوان با این حوزه فرهنگی حائز اهمیت در زندگی امروزی بشر و ساختار نوین آن آشنا گشت.

مفهوم موزه و پیشینه ساختاری آن:

مفهوم موزه از چندین منظر قابل مطالعه و بررسی است. اول اینکه از لحاظ مفهوم مکانی، موزه به فضایی اطلاق می گردد که در آن اشیائی ایی که از لحاظ تاریخی، هنری و فرهنگی دسته بندی گردیده اند، به نمایش گذاشته می شوند. در واقع این مکان به عنوان سازمانی است که در آن خدمات اجتماعی به منظور ارتقاء سطح فرهنگ جامعه صورت می پذیرد و اعم فعالیت هایی که در این مکان صورت می گیرد شامل نگهداری اشیاء، تحقیق و مطالعه بر روی آثار به منظور شناخت هر چه دقیق تر نسبت به محتوی موضوعی آن، ارتباطات فرهنگی بین جوامع مختلف از حیث مطالعه و بررسی آثار فرهنگی به تاریخی، برگزاری نمایشگاهها به منظور بالا بردن سطح کیفی مطالعات درون شبکه ایی مربوط به ساختار فرهنگی حاضر در جامعه و دسته بندی و مطالعه بر آثار فرهنگی محسوس و نامحسوس من جمله باورها و آیین هایی که ریشه هزاران ساله در فرهنگ جغرافیایی یک سرزمین دارد. (icom.museum)

دوم مفهوم موزه از لحاظ معنی لغوی و منشاء آن به دوران باستان باز می گردد؛ در مفهوم باستانی و اسطوره ای، موزه به مکان سکونت موزه ها اطلاق می شده است، در دنیای باستان موزه ها یا جایگاه موزه ها به منظور تماشای زیبایی ها و برای بحث با دیگران درباره ایده ها، کسب تجربه از پدیده های طبیعی و همین طور برای سرگرمی ایجاد شده و محلی برای تامل و تفکر عمیق و برای یادگیری بوده است. (Alexander2008:16)

دائرة المعارف بزرگ بریتانیکا مفهوم موزه را چنین توصیف کرده است: موزه در زبان یونانی از ریشه کلمه موزیون **Mouseion** اقتباس شده است. موزیون به مکان زندگی موزه ها اطلاق می شد و یا به جایی گفته می شد که برای تفکر و اندیشیدن اختصاص داشت و یا هر موسسه ای که در آن علم و فلسفه یعنی همه معارف آن روز اعم از هنرهای مختلف تدریس و آموخته می شد. در عصر کلاسیک هلنی از مفهوم موزه معنای حقیقی آن افاده می شد، بدین معنا که موزیون یا موزه به مکانی اطلاق می شد که هم نیایشگاه و هم پرستشگاه یعنی معبد موزه ها بود. به دیگر سخن موزه در آن دوره، مکان مقدس یا معبدی بود منسوب و متعلق به موزه ها یا فرشتگان الهام بخش. فرشتگانی که در مکان و معبد یا خانه مقدس خود حضور داشتند و پرستیده می شدند و به عابدان و پرستندگان خود الهامات غیبی می بخشیدند در فرهنگ روم باستان نیز واژه موزه **Museum** به همین معنی آمده است. (Jeffrey,2006)

اما موزه ها یا موس ها که بودند و چه نقشی در جامعه و جرگه خدایان و ایزدان یونانی بر عهده داشته اند که این چنین مورد تکریم، احترام و پرستش یونانیان باستان بودند. موزه ها الهگان نه گانه، یعنی دختران زئوس خدای بزرگ یونان بودند که در پای کوه المپ متولد شدند و مادرشان منموزینه (**Mnemosyne**) یا منموسینه (خاطره) است و به قول هزیود، شاعر حماسه سرای یونانی قرن هشتم ق.م، آنان دختران خاطره اند (وارنر، ۱۳۸۶: ۳۱۶).

منموسینه که دختر اورانوس یا آسمان است در زبان هلنی به معنی قوه حافظه نیز آمده است. پس خاطره و حافظه، ما در همه موزه ها (الهگان علم و هنر) در یونان باستان است (ملاصالحی، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

هر یک از موزه ها مظهر یکی از هنرها و علوم رایج یونانی بوده اند که هنر ویژه خود را به دیگران الهام می بخشیدند در ابتدا موزه ها ۳ نفر بودند و به تدریج افزایش یافتند و به نه نفر رسیدند. این افزایش موزه ها به معنی افزایش هنرها و علوم در جامعه یونان باستان است که به تدریج صورت گرفته است.

موزه های نه گانه عبارت اند از :

کالیوپ (**caliope**) : موزه حماسه، که لوح و قلم و گاه طومار یا کتابی در دست داشته است.
کلیو (**clio**) : موزه تاریخ، که به صورت نشسته یا ایستاده منقوش شده است، در حالی که طوماری کاغذی یا چند کتاب در دست دارد.

اراتو (**Erato**) : موزه شعر عاشقانه، که گاهی او را چنگ در دست تصویر کرده اند.
اوترپ (**Euterpe**) : موزه شعر تغزلی، که با فلوتی در دست نشان داده می شود.
ملپومن (**Melpomen**) : موزه آواز خوان، که با یک نقاب نمایشی و گرز شمشیر هرکول به تصویر کشیده می شود.

پولی هیمنیا (**Polyhymnia**) : موزه سراینده سرودهای بسیار
تریپسکور (**trepichore**) : موزه شادی بخش، در رقص با چنگ و زخمه، تصویر شده است.
تالیا (**Thalia**) : موزه سرور انگیز، کمدی، شعر نمایش و خنده آور بود و در نگاره ها او را با نقابی مضحک و با چوبدستی یا طبقه گل پیچک نشان داده اند.
اورانیا (**Urania**) : موزه آسمانی نجوم، که او را با یک چوبدستی تصویر کرده اند که به کره ای اشاره می کند (وارنر ۱۳۸۶: ۳۱۶).

موزه ها با آپولن ارتباط داشتند و خدمت گزاران او بودند چون آپولن استاد موسیقی است و خدایان المپ را با نواختن چنگ طلایی اش شادی می بخشیده است.

او وسیله پیوند بین خدایان و انسان ها بوده و انسان ها را راهنمایی می کرده است تا از اراده و خواست ملکوتی آگاه شوند (همیلتون ۳۶:۱۳۷۶).

پیشینه ساختاری موزه ها و سابقه تاریخی گردآوری اشیا از زمان های دور دست باستانی انجام می شده است. اشیایی که در گورهای دوره پارینه سنگی یافت شده نشان دهنده این امر است هرچند توسعه آن به صورت ایده موزه در اوایل هزاره دوم پیش از میلاد در لارسا در بین النهرین رخ داد که در آنجا کپی هایی از کتیبه های باستانی برای آموزش در مدارس تهیه شده بود. نشانه های باستان شناسی از لایه های قرن ۶ پیش از میلاد در اور نشان می دهد که نه تنها بخت النصر و نابونیدس در آن زمان عتیقه گرد آوری می کردند، بلکه در همان زمان یک مجموعه آثار باستانی در اتاقی در کنار مدرسه معبد قرار داشت که وابسته با لوحی بود که کتیبه ای را که روی آجر قدیمی تری که در محل پیدا شده بود را شرح می داد. این را می توان "برچسب موزه" بشمار آورد.

با وجود ریشه کلاسیک واژه "موزه"، امپراتوری یونان و رم هیچکدام نمونه ای از موزه، بدانگونه که ما می شناسیم، بر جای نگذارده اند. پیشکش های نذری به معابد را گاهی در خزانه هایی که بدین منظور ساخته شده بودند می گذاشتند که معمول با پرداخت مبلغ ناچیزی به روی عموم باز بود.

این اشیاء که در درجه اول دارای اهمیت مذهبی بود، شامل آثار هنری، چیزهایی جالب طبیعی و اشیاء بیگانه از نقاط دور دست امپراتوری می شد (لوئیس جفری، ۱: ۱۳۸۷).

در اروپای قرون وسطی، مجموعه ها بیشتر امتیازی ویژه خاندان های اشرافی و کلیسا بود. اینگونه مجموعه ها اهمیت اقتصادی داشت و برای تامین هزینه جنگ ها و مخارج دیگر کشور به کار میرفت.

مجموعه های دیگری نیز وجود داشت که شامل آثار منتسب به مسیحیت می شد. با احیا توجه به میراث کلاسیک و آسان شدن آن به خاطر ظهور خاندان های بازرگانان و بانکداران، مجموعه های ستایش انگیزی از آثار باستانی در اروپا ایجاد شد. برجسته ترین آنها، مجموعه ای است که توسط خاندان مدیچی در فلورانس گرد آوری شد و گسترش یافت و به تدریج در سال ۱۷۴۳ میلادی به کشور واگذار شد تا در دسترس " مردم توسکانی " و همه ملت ها قرار گیرد. در قرن ۱۷ میلادی، توجه روز افزون به بشر و نیز به تاریخ طبیعی موجب ایجاد بسیاری از مجموعه های تخصصی توسط روشنفکران آن زمان شد. از آن جمله می توان به آکادمی چیمنتو در فلورانس (۱۶۵۷)، انجمن سلطنتی لندن ۱۶۶۰ و آکادمی علوم در پاریس (۱۶۶۶) نام برد. در این زمان طبقه بندی سیستماتیک برای جهان طبیعی و مصنوع ایجاد شده بود تا به گرد آورندگان در منظم کردن مجموعه ها ایشان

یاری کند. این امر بازتاب طرز فکر سیستم، پژوهش منطقی و طرز برخورد جامع با دانش است که در اروپا در حال ظهور بود (همان: ص ۲).

موزه آشمولیان، که در سال ۱۶۸۳ میلادی در آکسفورد گشوده شد، عموماً به عنوان نخستین موزه ای که توسط یک دستگاه دولتی برای استفاده عموم ایجاد شده به شمار می آید این موزه بیشتر بر پایه مجموعه های گلچین شده ای از بسیاری از نقاط جهان توسط خانواده تریدزکانت (**Tradescant**) گردآوری شده بود و قبلاً در خانه آنان در لندن در معرض نمایش عموم قرار داشت. ویژگی این مجموعه جامع بودن آن بشمار می رفت و این ویژگی را در دو موزه دیگر مشهور آن زمان داشتند:

محمد حسن خان (اعتمادالسلطنه) معلم ناصرالدین شاه و از دوست داران فرهنگ و میراث فرهنگی و مورد علاقه و اعتماد ناصرالدین شاه بوده، وی موسس موزه همایونی بود که در کاخ گلستان تاسیس شد و همچنین نخستین کسی است که در ایران از موزه سخن گفته و موزه را به زبان علمی آن روز توصیف و تعریف کرده است. آن روز توصیف و تعریف کرده است. در سال ۱۳۰۰ق، زمانی که ناصرالدین شاه، موزه همایونی را در کاخ گلستان تاسیس کرد این تعریف در روزنامه شرف به چاپ رسید (ذکائی، ۱۳۴۹: ۱۲۰).

موزه شناسی جدید که در واقع مربوط به ربع آخر قرن بیستم و مربوط به دوران ظهور نظریه ها در علوم مختلف است این دوره تحت عنوان پست مدرنیسم در همه موزه های آکادمیک گسترش یافت و تحولات مهمی را در پی داشت. موزه شناسی هم در این شرایط دچار تغییر و تحول گردید. موزه شناسان که شی محوری و حفاظت و نگهداری از اشیاء را پشت سر گذاشته بودند به دنبال تعریف دیگری از موزه برآمدند. آنان به این واقعیت رسیدند که موزه ها باید به چیزی فراتر از حفاظت و نگهداری، یعنی به معرفی و آموزش بپردازند. آنان به نقش اجتماعی موزه ها توجه بیشتری نمودند و به این نتیجه رسیدند که مجموعه های موزه باید در توسعه اجتماعی نقش داشته باشند و موزه ها نه جای انبار اشیاء به مرکز تولید علم تبدیل گردند و در واقع در این رویکرد موزه ها باید از فضای محدود خود بیرون بیایند و وارد جامعه شوند و در روند توسعه اجتماعی نقش تعیین کننده ای داشته باشند. به همین منظور در سال ۱۹۷۲ میلادی در شیلی نشست مهمی از سوی متخصصان موزه در جهان صورت گرفت و در این نشست به مفهوم اجتماعی موزه توجه بیشتری شد و اینکه توسعه موزه ها برای مردم و با مردم معنا پیدا می کند و در واقع این نگاه نوین به موزه ها با برنامه توسعه و همکاری با جوامع بومی پیوند خورده بود. بعد از این نشست به تدریج واژه "موزه شناسی جدید" **Museology New** در بین دانشمندان موزه شناسی مطرح گردید. و برای نخستین بار آندره دو واله **Andre Devallee**، موزه شناس فرانسوی، مقاله ای برای دایره المعارف نوشت و در آنجا واژه موزه شناسی جدید را بکار برد. (Davis, 2011:1-5) و اصطلاح موزه شناسی جدید پس از آنکه

ایکوم در سال ۱۹۸۵ میلادی "کمیته بین المللی برای موزه شناسی جدید" را تاسیس کرد رسماً مورد پذیرش قرار گرفت.

در واقع در این رویکرد، به اهمیت میراث فرهنگی ناملموس تاکید دارد. این جریان فکری بر نقش اجتماعی موزه ها و ویژگی های میان رشته ای آن همراه با سبک های جدید و ارتباطات تاکید دارد. در اهمیت این مفهوم خانوم هوپر - گرین هیل موزه شناس انگلیسی بیان می دارد که : ((یکی از مسائل کلیدی در ظهور موزه های جدید، فهم بالا از روابط پیچیده بین فرهنگ ها، ارتباطات، دانش و هویت است که نگرش جدیدی را نسبت به مخاطب موزه به وجود آورده است (Hooper -green hill, 2007: 1)).

نتیجه گیری

انسان ها همواره در سیر تکامل فرهنگی خود دست به ایجاد و ساخت ذهنیت هایی نموده اند تا از این طریق بتوانند در رشد ذهنی و بالا بردن سطح آگاهی های خویش گام هایی اساسی بردارند و در این میان موزه ها دارای جایگاه ویژه ای به عنوان، مکان هایی هستند که انسان ها سعی دارند در آن فضاها با گذشته و باورهای کهن سال نیاکان و اجداد بشری خود ارتباط برقرار نموده و این ریسمانی که به عنوان راه ارتباطی با گذشته خود می باشد را حفظ نمایند تا از این طریق با حفظ ریشه ها به رشد فرهنگی و اجتماعی کنونی دنیای امروزی خود بپردازند از این روست که همواره به خرد و دانش اهمیت داده و الهگانی برای آن در نظر می گیرند و مکان هایی که این الهگان در آن زندگی می کنند به عنوان معابد مورد پرستش قرار داده و به انباشت نذورات خود در این مکانها می پردازند و زمینه را برای تجمیع اشیا ایجاد می کنند و با گذشت زمان در ازای بازدید اشیا هزینه دریافت می نمایند و اینچنین است که زمینه به منظور شکل گیری ساختار فرهنگی موزه ها شکل می گیرد هرچند که در منطقه بین النهرین و اور و ایسین - لارسا، هزاره چهارم ق.م با انباشت اشیا نیز روبرو هستیم و این امر خود گویای اهمیت گرد آوری و نگه داری در نزد صاحبان فرهنگ در مناطق مختلف جغرافیایی بوده است و بعد از گذشت هزاران سال با توجه به تغییر روند تعاملات فرهنگی و پیچیده شدن ارتباطات نوین بشر امروزی، این فضاها کهنسال اهمیت و جایگاه خود را در روابط پیچیده فرهنگی حفظ می کند و شکل نوین خود را می یابد و در بال بردن فرهنگ بشر امروزی حائز اهمیت می گردد.

منابع

- ۱- ذکا، یحیی (۱۳۴۹)، "تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران" تهران؛ انجمن آثار ملی
- ۲- وارنر، رکس (۱۳۸۶)، "دانشنامه اساطیر جهان"، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره
- ۳- ملا صالحی، حکمت الله (۱۳۸۴)؛ "جستاری در فرهنگ، پدیده موزه و باستان شناسی"، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- ۴- همیلتون، ادیت (۱۳۷۶)، "سیری در اساطیر یونان و روم"، ترجمه عبدالحسین شریفیان، اساطیر
- ۵- جفری، لوئیس (۱۳۷۸)، "اداره کردن موزه" رئیس کمیته اخلاقیات ایکوم

- 6- Alexander, Edward porter, Alexander Mary 2008, Museum in Motion: An In introduction to the History and Functions of Museums. 2nd ed - lanham, MD:AlaMira press.
- 7- Abt, Jeffrey 2006 . " The origins of the public museums ". Ins. Appelbaum Macdonald (Ed), A companion to museum studies, Black well.
- 8- Ambrose, T. Paine, c., 1993. Museum Basics (london: Icom in conjunction with Routledge).
- 9- Davis, Petter 2011. Lesson 5 museology, communities, eco museum "New museology, communities", ecom
- 10- Hooper -Green hill, Elean 2007. Museum and Education. London
- 11- <http://www.icom.museum/the-committees/international>
- 12- <http://www.ashmolean.org.article>